

پاسخ ملازهی، کارشناس روابط بین الملل به یک پرسش آفتاب یزد:

# آیا «ژئوپلیتیک» غرب آسیا در حال تغییر است؟!

آمریکا امیدوار است پاکستان در شرق، همان نقشی را ایفا کند که آذربایجان در شمال غرب ایران بر عهده گرفت!



«**پیوستگی و چهارم شهریور ۱۴۰۰) و بیست ماه از توافق طالبان و آمریکا (اسفند۱۳۹۸) می‌گذرد اما همه‌ی مسئله‌ی غرب آسیا و خاورمیانه، طالبان و آینده‌ی افغانستان نیست. ملازهی به آفتاب یزد می‌گوید: «اگرچه نباید از تحولات افغانستان غافل شد اما مسئله‌ی اصلی ایران در شرق، پاکستان است نه طالبان!» این کارشناس روابط بین الملل می‌گوید: «اگر چین و آمریکا به یک توافق بزرگ در سطح چین دست پیدا کنند قطعا می‌توان راحت‌تر از مسیر ژئوپلیتیک منطقه‌ی غرب آسیا گفت.» نتیجه‌ی انتخابات در عراق و نخست وزیر آینده‌ی این کشور، ماحصل پالش‌های ایران در شمال غرب، واکنش کرملین و کاخ سفید نسبت به ادامه‌ی دوگانه‌های سیاسی اردوغان و مسئله‌ی همچنان معلق مذاکرات برجامی از جمله‌ی مباحثی است که می‌تواند روی بسیاری از تصمیمات و تحولات این منطقه تأثیر گذار باشد. ملازهی به این نکته نیز اشاره کرد که خروج آمریکا از افغانستان، عراق دیگر کم‌کم در خاورمیانه بیشتر از آن که استراتژی باشد یک اجبار است و به مسائل داخلی آمریکا مربوط می‌شود**

کشورهایی که محور مقاومت است و سرخ آن به ایران وصل می‌باشد اگر روس‌ها در سوریه بر سر این مسئله معامله کرده باشند که نفوذ ایران را در منطقه کاهش دهند به نظر می‌آنگاه انتخابات عراق هم تعیین کننده خواهد بود. اگر این قابل تصور باشد می‌تواند این می‌شود گفت که ژئوپولتیک منطقه در حال تغییر کردن است.

■ **آیا چینی‌ها توان تغییر معادلات منطقه‌ای را دارند؟**

ملازهی با بیان این مسئله که: «چین در موقعیت بسیار مساعدی قرار دارد به خصوص بعد از خروج آمریکایی‌ها و تحولی که در افغانستان پیش آمد» ادامه می‌دهد: تقریبا می‌شود گفت که چین دارد در این منطقه یعنی افغانستان، پاکستان و ایران موضع برتر را می‌گیرد البته این معنایش این نیست که آمریکایی‌ها و غربی‌ها به طور کلی از این منطقه صرف نظر و عقب نشینی کردند واقعیت این است که آنچه در صحنه عمل می‌گذرد چین دارد در موضع برتر قرار می‌گیرد. دعوی اصلی بین این سه کشور یعنی ایران، پاکستان و افغانستان است. به این دلیل که چینی‌ها می‌خواهند آن طرح یک کمربند یک جاده را در این منطقه با زیر مجموعه‌های سیاسی ایران در تفاهم نامه ۲۵ساله ایران و چین عملیاتی کنند که لازم آن این است که نفوذ آمریکایی‌ها کاهش پیدا کند به خصوص در پاکستان. منتها آمریکایی‌ها به این سادگی کنار نخواهند کشید. الان آمریکایی‌ها امیدوارند آنچه که در شمال ایران اتفاق افتاد در شرق ایران هم رخ دهد و پاکستان نقشی را که آذربایجان دارد بازی می‌کند بازی کند تا بتواند ایران را محاصره کند. از طرف آمریکایی‌ها چین را در تایوان و مسائل شرق آسیا دارند تحت فشار قرار می‌دهند و از طریق توافق هند، ژاپن، کره جنوبی، آمریکا و استرالیا کاملا چین را در محاصره قرار می‌دهند. آمریکایی‌ها طرح چین را برای قدرت گرفتن در قرن

ها آرتص:

## برقراری روابط تهران و ریاض پایان ائتلاف ضد ایرانی خواهد بود



روزنامه صهیونیستی هآرتص به رویکرد دولت کنونی آمریکا درقبال خاورمیانه و تمایل آن برای کاهش حضور در منطقه اشاره کرد و نوشت: صاحب نظران سعودی این گونه توضیح می‌دهند که پادشاه عربستان دریافته است که دیگر نمی‌تواند به ایالات متحده متکی باشد، بنابراین می‌بایست روابط استراتژیک خود را تغییر دهد و جایگاه خود در خاورمیانه را مجددا مشخص کند. در واقع، یک سری شکست‌ها در عرصه سیاست خارجه همچون تلاش برای اجبار رفیق حریری نخست وزیر لبنان به استعفا که به یک شکست مقتضحانه تبدیل شد، عدم توانایی نفوذ در جنگ سوریه، ادامه جنگ یمن بدون یک نتیجه مشخص علی رغم دست برتر عربستان از نظر قدرت نظامی، جدا شدن امارات متحده عربی از این درگیری، امتناع دونالد ترامپ رئیس جمهور پیشین آمریکا از حمایت از ریاض در برابر ایران پس از حمله به تاسیسات نفتی بزرگ عربستان، سعودی‌ها متوجه شدند که برای جلوگیری از بروز بحران در این کشور و نابود شدن برنامه‌های اقتصادی ولیعهد سعودی برای آینده عربستان گفتگو با ایران یک ضرورت است. از

رئیس شورای راهبردی روابط خارجی اصلی‌ترین وظیفه هسر حاکمیتی را تأمین حقوق مردم از جمله امنیت آن دانست و گفت: این در مورد حاکمیت فعلی افغانستان نیز صادق است.

به گزارش ایسنا، سید کمال خرازی اظهار داشت: رفتار طالبان پس از قبضه قدرت و حاکمیت می‌تواند با رفتار گذشته آن متفاوت باشد و این باید در رفتار طالبان نسبت به اقوام، گروه‌ها و مذاهب مختلف افغانی‌ها و سوی دیگر در برقراری حسن همجواری با کشورهای همسایه و تأمین منافع مشروع آن‌ها عنینت یابد. به همین جهت جمهوری اسلامی ایران سیاست‌ها و رفتارهای طالبان در کابل و دیگر نقاط افغانستان را به دقت و از نزدیک رصد می‌کند.

خرازی همچنین گفت: منافع طالبان و منافع پاکستان به عنوان حامی اصلی طالبان، ایجاب می‌کند رفتار طالبان در دوران حاکمیت تغییر یابد تا صلح در داخل افغانستان و حسن همجواری آن با همسایگانش تحقق یابد. تنها در این صورت است که اولاً پاکستان از داشتن همسایه‌های با ثبات همچون عمق استراتژیک خود، بهره‌مند خواهد شد و ثانیاً مشکلاتی که همسایه دیگر نیز به توسعه و برقراری آرامش در افغانستان کمک خواهد کرد. رئیس شورا در ادامه گفت: جمهوری اسلامی ایران قصد مداخله در امور داخلی افغانستان را ندارد، ولی قطعاً منافع مشروعی در آن کشور دارد که باید تأمین گردد. این منافع در زمینه امنیت مرزهای دو کشور، جلوگیری از فعالیت گروه‌های تروریستی و نفوذ تروریست‌ها به خاک جمهوری اسلامی ایران، جلوگیری از انتقال مواد مخدر به ایران، رعایت حقوق شیعیان و دیگر اقوام افغانی، حفظ و گسترش زبان فارسی به عنوان بخشی از میراث مردم افغانستان، فراهم شدن زمینه بازگشت

این کارشناس ارشد شبهه‌قاره در ادامه‌ی این گفت و گو به آفتاب یزد می‌گوید: طالبان به تنهایی این ظرفیت را ندارد که الان با آمریکایی‌ها کاملا علیه ایران قرار گیرد اما این ظرفیت در پاکستانی‌ها وجود دارد. اسلام آباد به اندازه آذربایجان می‌تواند درمسر ایجاد کند اما تعیین‌کننده نیستند. به نظر هم اگر زمانی مسئله‌ای پیش آید این پاکستان است که نقش اصلی را در پشت صحنه خواهد داشت. طالبان عامل عملیاتی و اجرایی خواهد بود ولی ظرفیت طالبان آن قدر نیست که بدون پشتوانه پاکستان بتواند کاری کند. لذا باید بسیار دقت کنیم؛ درست است که ما با پاکستانی‌ها رابطه نزدیکی داریم

و پاکستان هم با چین کاملا هماهنگ شده و آن برمی‌گردد به اینکه انتخاب آمریکایی‌ها هند بوده و پاکستان را در آن جایگاهی که انتظار داشتند قرار ندادند. اما با تمام این اوصاف پاکستان این گونه نیست که آمریکایی‌ها رهایش کنند برای اینکه چین کاملا آنجا را تصرف کند و بعد ایران و افغانستان را در یک پکیج قرار دهد

و آزادانه قرارداد۲۵ساله‌ا عملیاتی کند و طرح جاده و کمربند را پیش‌برد در آن صورت آمریکایی‌ها باید بپذیرند که تبدیل به قدرت دوم جهانی شده‌اند و قدرت اول جهانی را به چین واگذار کنند الان

هنوز آمریکایی‌ها این آمادگی را پیدا نکردند که این اتفاق بیافتد چینی‌ها هم با احتیاط عمل می‌کنند اما در نهایت به نظر می‌رسد که برنامه چین تثبیت شده است. چون همه شاخص‌های قدرت را دارند

و دیر یا زود به این قدرت دست پیدا می‌کنند. بخش اصلی این قدرت هم همان یک جاده یک کمربند خواهد بود که بیش از ۱۰۰ کشور را در آن چارچوب قرار می‌دهند.

■ **از هند هم نباید غافل بود!**

ملازهی تأیید می‌کند که از هند نباید غافل بود زیرا الان هند کاملا با آمریکا متحد است. بازی هندی‌ها هم به نفع آمریکا خواهد بود نه چین.

■ **دستگاه دیپلماسی توجهی به تغییرات ندارد**

پیرمحمد ملازهی در بخش پایانی مصاحبه‌ی خود نیم‌نگاهی نیز به دستگاه دیپلماسی داشته اظهار می‌دارد: کل مسئله را باید ببینیم تنها دیپلماسی خارجی نیست. الان جناحی که در ایران قدرت را در دست گرفته با واقعیات روز یا آشنا نیستند یا اهمیت نمی‌دهند فکر می‌کنند بر اساس همان دیدگاهی که دارند می‌توانند شرایط را همان گونه که در داخل حل و فصل می‌کنند در بیرون هم می‌توانند با همان دیدگاه حل کنند بنابراین نوعی سرگردانی وجود دارد ولی این نمی‌تواند تلاوم پیدا کند بالاخره دیر یا زود ایران باید تکلیف خود را در مسائل مهم منطقه‌ای و جهانی روشن کند. به نظر مشکل بیشتر «برجام» است که نمی‌داند چطور منافع و امنیت ملی خود را تأمین کند. اگر بتواند این مشکل را با غرب حل کند می‌تواند یک سیاست مطمئن خارجی را هم پی بگیرد چون متنگی که اکنون وجود دارد نگاه صرفا به شرق است و فکر می‌کنند اینگونه همه مشکلاتشان حل می‌شود در صورتی که این طور نیست روسیه اهل معامله است و آنجا که به نفعش باشد معامله کرده و از کارت ایران استفاده می‌کند چین هم به دنبال منافع خودش است. بنابراین سیاست متوازن ایران که هم بتواند با شرق هم با غرب کار کند عقلاانه‌ترین سیاستی است که ایران می‌تواند اتخاذ کند اما در شرایط کنونی به نظر می‌رسد انتخاب‌شروع شرق است. برداشت من این است که اگر بتوانند برجام را به نتیجه مطلوبی برسانند این نگاه تعدیل خواهد شد و شاید ایرانی‌ها در نهایت به این نتیجه برسند که در سیاست خارجه‌شان سیاست متوازی را بین منابع قدرت داشته باشند تا بتوانند منافع ملی و امنیتی خود را حفظ کنند.

### سیاست ما در افغانستان به رفتار طالبان بستگی دارد

خرازی:

مهاجرین افغانی مقیم ایران، تأمین حقیله ایران، توسعه تجارت و بازرگانی بین ایران و افغانستان و مشارکت در بازرسازی و توسعه افغانستان است. خرازی همچنین تأکید کرد: حفظ استقلال سیاسی افغانستان نه تنها یک صلحت ملی، بلکه یک ضرورت منطقه‌ای برای توسعه صلح و ثبات است و بر طالبان است که بر استقلال سیاسی افغانستان و جلوگیری از حضور و نفوذ هر قدرت خارجی پافشاری نماید. حضور چند دهه نیروهای خارجی از جمله نیروهای آمریکایی و ناتو در خاک افغانستان و فجایعی که آفریدند، باید درس عبرتی برای حاکمیت و مردم مظلوم افغانستان باشد که دیگر بار سرزمینشان جولانگاه قدرت‌های بین‌المللی و منطقه‌ای نگردد.

رئیس شورای راهبردی روابط خارجی در پایان تأکید کرد: سیاست ما در افغانستان بستگی کامل به رفتار طالبان دارد و چنانچه مسیر حرکت در افغانستان به سمت یک حکومت فرآگیر، حفظ حقوق و امنیت همه اقوام، مقابله با تروریسم و اتخاذ سیاست حسن همجواری باشد، جمهوری اسلامی ایران آمادگی همه گونه همکاری با دولت و ملت افغانستان را دارد و تمامی تجارب و ظرفیت‌های خود را در اختیار برادران و خواهران خود در افغانستان قرار خواهد داد. وی تأکید کرد: اصلی‌ترین وظیفه هسر حاکمیتی تأمین حقوق مردم از جمله امنیت آن‌هاست و این در مورد حاکمیت فعلی افغانستان نیز صادق است. مقابله با تروریسم و جلوگیری از جنایاتی چون کشتار انسان‌های بی‌گناه در مدارس و مساجد شیعیان توسط گروه تروریستی داعش، در درجه اول وظیفه هسر حاکمیت فعلی است که تروریست‌ها را از صحنه افغانستان حذف کند و البته حق طبیعی شیعیان مظلوم افغانستان هم هست که از حقوق خود دفاع کنند.

### دیپلماسی

کاخ سفید:

### همچنان مسیر دیپلماتیک با ایران را ترجیح می‌دهیم

قرار داریم. او در این راستا ادامه داد: اما تمرکز ما روی این است که ببینیم آیا می‌توانیم به دور دیگری از مذاکرات وین بازگردیم یا نه. فراتر از این حسد و گمانی را مطرح نمی‌کنم. بر اساس این گزارش، اظهارات سخنگوی کاخ سفید درباره مذاکرات وین و توافق هسته‌های ایران در این مطرح می‌شود که توافق هسته‌ای در سال ۲۰۱۵ میان ایران و قدرت‌های جهانی (آمریکا، آلمان، فرانسه، انگلیس، چین و روسیه) منعقد شد اما پس از خروج کج‌جانبه دولت دونالد ترامپ، رئیس جمهور پیشین آمریکا از این توافق و در پی آن، با فاصله گرفتن تدریجی ایران از عمل کردن به تعهدات داوطلبانه‌اش در توافق که در نتیجه محتمل شدن تحریم‌های آمریکا وعدم برهم‌زندی از منافع تجاری شدن برجام رخ داد، تا کنون به مرحله اجرایی شدن کامل نرسیده است. پس از پیروزی جو بایدن در انتخابات ریاست جمهوری ۲۰۲۱ آمریکا و تشکیل دولت جدید در کاخ سفید، موضوع بازگشت آمریکا به توافق هسته‌ای، طبق وعده انتخاباتی او در دستورکار سیاست خارجی دولت شد. سخنگوی کاخ سفید با اشاره به سخنان آنتونی بلینکن وزیر امور خارجه آمریکا درباره فرصت باقی مانده برای از سرگیری مذاکرات گفت: «ما اطلاعات جدیدی درباره این که چه زمانی خواهد بود، ندارم. سساکی در پاسخ به این سوال که آیا با توجه به ابراز نگرانی وزیر امور خارجه اسرائیل به مشاور امنیت ملی آمریکا درباره این ادعا که ایران در حال نزدیک‌تر شدن به دستیابی به یک سلاح هسته‌ای است، جو بایدن رئیس جمهور آمریکا در صورت‌عدم همراهی ایران با مسیر دیپلماتیک به این موضوع واکنشی نشان خواهد داد و آن را در ژنو مطرح خواهد کرد یا نه، گفت: هدف ما پیش رفتن در مسیر دیپلماتیک است. بحتی هم در این نیست که ما به خاطر خروج دولت قبلی آمریکا از توافق هسته‌ای و از بین بردن امکان نمایان بودن ظرفیت و توانی که آن‌ها [ایران] داشتند، در وضعیت فعلی‌مان

یافته‌های پژوهشگران تاریخ و زبان آذربایجان، که ازفضا بیشترشان آذری بوده‌اند و پشتیبان فرهنگ ایرانی.

قطعه‌هویت مردم را دست‌نورد‌های پژوهشی تعیین می‌کند نه کاربرد کلامی عموم و احساسات یا فشار قوم‌گرایان. درنتیجه این رویکردها ضروری به‌نظر می‌رسند: ۱- بنابر تجربه، سیاست‌های صهیونیستی-ترکی‌های پوهویژه در قفقاز، بر رفتار همسایگان تاثیرگذار است و شاید تنها تکیه بر اشتراک‌های مذهبی برای حفظ قلمرو منافع ملی-امنیتی کافی نباشد. ۲- نقش عنصر «ایران فرهنگی» هم در دیپلماسی‌های درسی هم با پررنگ شود. ۳- استخدام در نهادهای آموزشی باید برپایه‌ی گزینش ملی-مذهبی باشد و نه تنها با تکیه بر یکی از این دو؛ در غیراین صورت ظهور قوم‌گرایان آموزش‌گرا! و انتقال اندیشه‌های‌شان به نسل‌های بعد رخ می‌دهد. ۴- نگارش کتاب‌های درسی باید برپایه‌ی اسناد تاریخی باشد و نه سیاسی‌کاری یا فشارهای قوم‌گرایی و کتاب‌های کنونی باید بازنگری شوند. ۴- روی مقتدر نباید از هیاهو و مانور رسانه‌های بیگانه روی قوم‌گرایی بپردازد. هم در این میسان هم-بتیران آدمی من وظیفه‌ی مهمی در پاسداری از هویت ایرانی و جلوگیری از بی‌دیشی جو دروغین در آذربایجان دارند.

### رفتارهای همسایگان و ضرورت بازنگری

ادامه از صفحه اول:

به‌عنوان مثال، خوراکی‌های «استانبولی» امروز (که در صاوسیمالا) یا عوامل پان‌ترکیسم ضمن تلاش برای ایجاد فاصله میان آذری‌ها و دیگر ایرانیان، در دانشگاه‌ها یا جاه‌های دیگر با رد می‌کنند و آن را تحمیلی می‌خوانند نیز در برخی کتاب‌های درسی هم با رویکردی فاجعه‌پار و مودیانه (به‌دلیل نفوذ یا فشار قوم‌گرایان در آموزش‌وپرورش و نهادهای دیگر) هویت قومی-زبانی آذربایجانبیان (برای اهداف آینده) مبهم است؛ یا در گزارش‌های ورزشی و غیره. اما برخی دلایل این نهاجم‌های فرهنگی خاموش چنین‌اند: ۱- غفلت دولت در آگاهی‌بخشی لازم به مردم و فروکاستن جایگاه زبان ارجمند فارسی تا حد یک زبان رسمی و مشتکرآ. ۲- بومی‌پذیری در آموزش عالی که ارتباط و آمیزش خرده‌فرهنگ‌های گوناگون کشور را (که باهم سازنده‌ی فرهنگ ایرانی‌اند) محدود می‌کند. ۳- باج‌های به جریان قوم‌گرایی و نادیده گرفتن